

رابطه شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری با شادکامی دانش‌آموزان^۱

ناصر جعفرزاده^۲

نورعلی فرخی^۳

فرامرز سهرابی اسمرود^۴

تاریخ وصول: ۹۳/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۳

چکیده

شیوه‌ی فرزندپروری، عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند و کیفیت رابطه والد-کودک اثر معناداری روی عزت‌نفس، شادکامی و بهزیستی افراد دارد. هدف این پژوهش، تعیین رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با تاب‌آوری و شادکامی دانش‌آموزان بود. روش پژوهش حاضر همبستگی و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان اسلام‌شهر بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌نهایی پژوهش ۳۸۶ نفر از دانش‌آموزان بود (۱۹۳ دختر، ۱۹۳ پسر) که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های فرزندپروری بامریند، مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون و آزمون شادکامی آکسفورد استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین شیوه فرزندپروری استبدادی والدین با شادکامی و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین شیوه فرزندپروری آزادمنشانه با شادکامی فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود داشت؛ ولی شیوه فرزندپروری آزادمنشانه با تاب‌آوری رابطه معنادار نداشت. همچنین بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با شادکامی و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود داشت. در مجموع، نتایج تحقیق نشان داد که شیوه فرزندپروری استبدادی

۱. مقاله حاضر از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی استخراج شده است.

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش (نویسنده مسئول)

naserjafarzadeh1390@gmail.com

۳. دانشیار سنجش و اندازه‌گیری تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی farrokhinoorali@yahoo.com

۴. استاد روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی asmar567@yahoo.com

به طور منفی شادکامی و تاب‌آوری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی می‌کند. همچنین شیوه فرزندپروری آزاد، منشا نه و مقتدرانه می‌تواند به طور مثبت شادکامی را در دانش‌آموزان تبیین کند. ولی شیوه فرزندپروری مقتدرانه به طور قوی‌تری می‌تواند شادکامی و تاب‌آوری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کند.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، دانش‌آموزان، شادکامی، شیوه‌های فرزندپروری

مقدمه

پژوهش‌های متعددی که به بررسی علت‌ها و پیامدهای مشکلات رفتاری کودکان پرداخته‌اند، حاکی از آن است که رفتارهای مشکل‌ساز کودکان از تعامل چندگانه عوامل بیولوژیکی، محیطی و خانوادگی نشأت می‌گیرد (کزدا، آیرگ، ریچ و کوئیدو^۱، ۲۰۰۴)، که در میان عوامل خانوادگی، فرزندپروری با ماندگاری و انتقال مشکلات رفتاری کودک به دوران تحولی بعدی رابطه مستقیم دارد (میلر - لویز، باگورست، ساویر، پریور، کلارک، آرنی و دیگران^۲، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر شیوه فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک اثر معناداری روی عزت‌نفس، شادکامی و بهزیستی افراد دارد. شیوه فرزندپروری، عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند. این که والدین کدام یک از انواع شیوه‌های فرزندپروری را در خانواده اتخاذ کنند تأثیر مهمی بر ابعاد مختلف زندگی فرد می‌گذارد. هدف همه شیوه‌های فرزندپروری، شکل‌دهی به شخصیت روانی فرد است. شیوه مقتدرانه، مناسب‌ترین روش فرزندپروری است. بر اساس پژوهش‌های انجام شده شیوه فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکا به خود بالاتر، کج‌رفتاری کمتر و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (استینبرگ، لامبورن، دارلینگ، مونتس و دورنباش^۳، ۱۹۹۴).

با توجه به این که در پژوهش‌های قبلی بیشتر بر روی پیامدهای منفی شیوه‌های فرزندپروری تأکید شده است، در این پژوهش بیشتر بر روی پیامدهای مثبت شیوه‌های فرزندپروری یعنی شادکامی و تاب‌آوری فرزندان تأکید شده است. تحقیقات مختلفی به

1. Calzada, Eyberg, Rich & Querido
2. Miller - Lewis, Baghurst, Sawyer, Prior, Clark, Arney & Carbone
3. Steinberg, Lamborn, Darling, Mounts, Dornbusch

بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری، شادکامی، عزت‌نفس و مؤلفه‌های سلامت‌روان پرداخته‌اند (لوپز^۱، ۲۰۰۵؛ چان و کو^۲، ۲۰۰۹؛ هاور، اوتن، ورایس و انگلس^۳، ۲۰۰۹).

تاب‌آوری از جمله راهبردهای مقابله‌ای است که به فرد کمک می‌کند تا با شرایط استرس‌زای روبه‌رو شده و از اختلالات بیماری‌زا نجات یابد (ایزدنیا، امیری، جهرمی و حمیدی، ۱۳۸۹). تاب‌آوری به عنوان عاملی برای سازگاری موفقیت‌آمیز با تغییرات و توانایی مقاومت در برابر مشکلات شناخته شده است (مک‌آلیستر و مک‌کینان^۴، ۲۰۰۹؛ آهرن و نوریس^۵، ۲۰۱۱). تاب‌آوری به فرد این امکان را می‌دهد که بتواند از مهارت سازگاران خود سود جسته و شرایط استرس‌زا را به فرصتی برای یادگیری و رشد تبدیل کند و با تمرکز بر مشکل استرس را در فرد، کنترل کند (ویلکز^۶، ۲۰۰۸). تاب‌آوری تنها روش سازگاری با استرس نیست. بلکه به معنی بهبود، انعطاف‌پذیری و برگشت به حالت اول می‌باشد. در تاب‌آوری مقوله‌های تحمل، بهبودی و انعطاف‌پذیری مستتر است. شخص تاب‌آور با استرس‌ها، چالش‌ها و حوادث زندگی خود روبه‌رو شده و همچنین حضور فعالانه در محیط زندگی خود دارد (ذاکری، جوکار و رزمجویی، ۱۳۸۹). تاب‌آوری به نحوی سطوح استرس و ناتوانی را در شرایط استرس‌زا تعدیل می‌کند و در واقع فرایند پویای انطباق و سازگاری مثبت با تجارب تلخ و ناگوار در زندگی می‌باشد (ابوالقاسمی و تکلوی ورنیاب، ۱۳۸۹). می‌توان گفت تاب‌آوری باعث ارتقای مهارت حل مسئله در افراد می‌شود (صالحی، آزاد و نعمتی، ۱۳۹۰). تحقیقات نشان داده است که جوانان با تاب‌آوری کم در معرض خطرات بیشتری از نظر مشکلات روانی از قبیل افسردگی، ناامیدی، اختلالات رفتاری، خشونت، مصرف سیگار و مواد مخدر و انجام فعالیت‌های جنسی مهارنشده قرار دارند و از نظر پیشرفت تحصیلی دچار ضعف و نقصان می‌باشند (یو، لائو، مک، زانگ، لویی، زانگ^۷، ۲۰۱۱).

-
1. Lopez
 2. Chan & Koo
 3. Huver, Otten, Vries, Engels
 4. McAllister, McKinnon
 5. Ahern, Norris
 6. Wilks
 7. Yu, Lau, Mak, Zhang, Lui, Zhang

شادکامی و نشاط نیز یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر هستند که تأثیر عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان دارد. شادکامی یکی از متغیرهایی است که در سال‌های اخیر در حوزه روان‌شناسی سلامت مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌هایی هم که در این زمینه انجام شده است مؤید رابطه مستقیم آن با بهبود سیستم ایمنی بدن می‌باشند. سیلبرمن^۱ (۱۹۷۰؛ به نقل از مرادی، ۱۳۸۳) معتقد است در مسائل تربیتی باید شادی، لذت، رشد و تکامل فردی در کنار آموزش و تحول عقلانی صادقانه مورد توجه قرار گیرد. زیرا شادی محصول زندگی متعادل، متنوع و رضایت‌بخش است که در آن نیازهای اساسی انسان برآورد شده است. ژاپنی‌ها در آخرین گزارش خود در قالب الگوی قرن ۲۱ به این نکته اساسی اشاره می‌کنند که هدف تعلیم و تربیت از این پس باید پرورش «شور و شوق زندگی» در محیطی توأم با فرصت رشد باشد و بر تفکری که به فردیت توجه می‌کند متمرکز باشد (کریمی، ۱۳۸۱) و به اعتقاد نودینگ^۲ (۲۰۰۳) یکی از مهم‌ترین رسالت‌های آموزش و پرورش، ایجاد سرزندگی و پویایی در جامعه است. تحقیقی که هوپکه^۳ (۲۰۰۱؛ به نقل از مرادی، جعفری و عابدی، ۱۳۸۴) با همکاری دانشگاه هاروارد و مرکز بشر دوستی دانشگاه ایندیانا انجام داد نشان داد افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتری دارند و بهتر می‌توانند با مردم رابطه برقرار کنند نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی‌تر ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان‌ترند.

تاکنون تحقیقات کمی به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر متغیرهایی که در حوزه سلامت روان می‌گنجند پرداخته‌اند و بیشتر تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است بر روی اثرات منفی شیوه‌های ناسازگار فرزندپروری متمرکز بوده است. مثلاً حاتم‌لو، بازدار و نریمانی (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با تاب‌آوری و عزت نفس نوجوانان دختر و پسر پرداختند که نتایج نشان داد نوع شیوه‌های فرزندپروری والدین، تاب‌آوری و عزت نفس را در دانش‌آموزان پیش‌بینی می‌کند. آن‌ها همچنین دریافتند که خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و دوستان منبع اصلی و تأثیرگذار هر جامعه‌ای می‌باشند که خانواده

1. Silberman
2. Nodding
3. Hopke

اولین و بیشترین تأثیر را بر روی فرزندان دارد. لذا افرادی که دارای تاب‌آوری و عزت‌نفس بالا هستند و از سلامت روان برخوردارند، از خانواده‌هایی هستند که شیوه فرزندپروری غالب والدین، مقتدرانه است. والدین این خانواده‌ها در عین کنترل، رابطه‌ای گرم و صمیمی با فرزندان دارند و افراد دارای اختلال‌های رفتاری، ضد اجتماعی، ولگردی و رفتارهای تکانشی از خانواده‌هایی هستند که شیوه فرزندپروری آن‌ها مستبدانه و سهل‌گیرانه بوده و رابطه والدین با آن‌ها سرد و غیر صمیمی می‌باشد. با توجه به نتایج تحقیقات گذشته و اهمیت آثار شیوه‌های فرزندپروری بر روی نسل آینده کشور، در پژوهش حاضر سعی شد تا به بررسی ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری و شادکامی دانش‌آموزان پرداخته شود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر همبستگی بود این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است.

برای بررسی ادبیات موضوع تحقیق از شیوه‌ی کتابخانه‌ای استفاده شد و برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرها از روش میدانی (پرسشنامه‌ای) بهره گرفته شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان اسلام‌شهر بود که دامنه سنی آن‌ها بین ۱۶ تا ۱۸ سال و در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه پژوهش بر اساس جدول مورگان^۱ (۱۹۹۳) ۳۸۶ نفر از دانش‌آموزان بود (۱۹۳ دختر، ۱۹۳ پسر) که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که در ابتدا از لیست کلیه دبیرستان‌ها و هنرستان‌های اسلام‌شهر ۱۰ دبیرستان و هنرستان به روش تصادفی انتخاب شدند. سپس از کلیه کلاس‌های موجود در مدارس منتخب، ۳ کلاس به روش قرعه‌کشی انتخاب و پرسش‌نامه‌های شادکامی آکسفورد، پرسش‌نامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون و فرزندپروری بامریند را تکمیل نمودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار و همبستگی پیرسون و در بخش

استنباطی از تحلیل رگرسیون گام به گام و آزمون t برای مقایسه دو نمونه مستقل استفاده شد.

پرسش‌نامه شادگامی آکسفورد^۱: این پرسش‌نامه توسط آرگیل و لو^۲ (۱۹۹۰) تهیه شده و ۲۹ ماده دارد. هر یک از سؤال‌های این آزمون ۴ گزینه دارد که از ۰ تا ۳ نمره به آن‌ها اختصاص می‌یابد. بنابراین حداکثر نمره آزمون ۸۷ است. روایی و پایایی این پرسش‌نامه در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال آرگیل و لو (۱۹۹۰) پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در مورد ۳۴۷ آزمودنی بررسی کردند و ضریب آلفای ۰/۹۰ را به دست آوردند. همچنین علی‌پور و آگاه‌هریس (۱۳۸۶) پایایی و روایی پرسش‌نامه شادی آکسفورد را بررسی کردند که در این بررسی آلفای کرونباخ برای کل فهرست برابر با ۰/۹۱ بود. آن‌ها برای سنجش روایی عاملی این مقیاس از روش تحلیل عوامل استفاده کردند که توانست ۵۷ درصد واریانس کل را تبیین کند. آلفای کرونباخ هر یک از عوامل پنج‌گانه رضایت (۰/۸۹)، (۰/۸۴)، (۰/۸۱)، (۰/۶۸) و (۰/۵۸) به دست آمد. ضریب پایایی مقیاس در مطالعه حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند^۳ (۱۹۹۱): این پرسش‌نامه بر اساس نظریه بامریند، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق^۴، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی^۵ و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی^۶ والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی باید شیوه ادراک شده فرزندپروری والدین خود را با مطالعه هر ماده، با علامت بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم - مخالفم - تقریباً مخالفم - موافقم و کاملاً موافقم) مشخص کند که به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر

1. oxford happiness questionnaire
2. Argyle & Lu
3. baumrind parenting styles questionnaire 1991
4. Permissive
5. Authoritarian
6. Autoritarive

آزمودنی به دست می‌آید. بوری^۱ (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسش‌نامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی پدران گزارش نمود. ضریب اعتبار پرسش‌نامه شیوه‌های فرزند‌پروری بامریند در این تحقیق ۰/۹۳۴ برای اقتدار منطقی و ۰/۹۱۰ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۹۰ برای شیوه آزادگذاری به دست آمد.

پرسش‌نامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون^۲ (۲۰۰۳): این پرسش‌نامه شامل ۲۵ سؤال

است و پاسخ‌های هر سؤال به صورت یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد و برای هر گزینه نمرات ۰-۴ به صورت کاملاً نادرست (نمره صفر)، به ندرت درست (نمره ۱)، گاهی درست (نمره ۲)، اغلب درست (نمره ۳) و همیشه درست (نمره ۴) امتیازبندی می‌شود. دامنه امتیاز قابل کسب بین ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد و هر چه امتیاز به دست آمده به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده تاب‌آوری بیشتر است. نمره کلی تاب‌آوری به چهار سطح (۰-۲۵)، (۲۶-۵۰)، (۵۱-۷۵)، (۷۶-۱۰۰) طبقه‌بندی می‌شود. سامانی، جوکار و صحراگرد (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرانباخ این مقیاس را در دانشجویان ۰/۸۷ به دست آورده‌اند. ابوالقاسمی (۱۳۹۱) و محمدی (۱۳۸۶) نیز ضریب آلفای کرانباخ این ابزار را ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. ضریب پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرانباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۲ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
شادکامی	۴۳/۴۰	۱۳/۷۴
تاب‌آوری	۵۳/۹۹	۱۷/۱۹
فرزند‌پروری سهل‌گیرانه	۲۱/۴۰	۷/۲۶
فرزند‌پروری استبدادی	۱۸/۳۸	۶/۴۳
فرزند‌پروری مقتدرانه	۲۸/۰۴	۷/۲۸

1. Buri
2. Connor-Davidson Resilience Scale: CD-RISC

با توجه به جدول فوق میانگین نمره شادکامی $۴۳/۴$ ، تاب‌آوری $۵۳/۹۹$ است. نتایج همچنین حاکی از آن است که فرزندپروری مقتدرانه ($۲۸/۰۴$) بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	شادکامی	تاب‌آوری	مقتدرانه	استبدادی	سهل‌گیرانه
شادکامی	۱				
تاب‌آوری	$۰/۵۹^{**}$	۱			
مقتدرانه	$۰/۳۹^{**}$	$۰/۳۵^{**}$	۱		
استبدادی	$-۰/۲۲^{**}$	$-۰/۱۵^{**}$	$-۰/۴۲^{**}$	۱	
سهل‌گیرانه	$۰/۱۸^{**}$	$۰/۰۷$	$۰/۳۰^{**}$	$۰/۴۱^{**}$	۱

$^{**} P < ۰/۰۱$ ؛ $^{*} P < ۰/۰۰۵$

نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۱ نشان‌دهنده آن است که بین شیوه فرزندپروری استبدادی والدین با شادکامی و تاب‌آوری رابطه منفی و معنادار و بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با شادکامی و تاب‌آوری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین با شادکامی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بین شیوه سهل‌گیرانه و تاب‌آوری رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. خلاصه نتایج رگرسیون شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری بر شادکامی دانش‌آموزان

مدل	متغیر	R	R ²	F	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	T
۱	تاب‌آوری	$۰/۶۱$	$۰/۳۷$	$۲۳۴/۲۰^{**}$	$۰/۰۱۲$	$۰/۶۱$	$۱۵/۳۰^{**}$
	تاب‌آوری	$۰/۶۴$	$۰/۴۱۷$	$۱۳۷/۰۳^{**}$	$۰/۰۱۱$	$۰/۵۴$	$۱۲/۹۹^{**}$
۲	مقتدرانه				$۰/۰۱۰$	$۰/۲۰$	$۵/۰۱^{**}$
	تاب‌آوری	$۰/۶۵$	$۰/۴۲۸$	$۹۵/۲۸^{**}$	$۰/۰۱۰$	$۰/۵۳$	$۱۲/۷۴^{**}$
۳	مقتدرانه				$۰/۰۰۹$	$۰/۱۹$	$۴/۷۲^{**}$
	استبدادی				$-۰/۰۰۶$	$-۰/۱۰$	$-۲/۷۰^{**}$
۴	تاب‌آوری	$۰/۶۶$	$۰/۴۳۴$	$۷۳/۰۵^{**}$	$۰/۰۱۰$	$۰/۵۲۹$	$۱۲/۷۴^{**}$
	مقتدرانه				$۰/۰۰۸$	$۰/۱۸$	$۴/۲۷^{**}$
	استبدادی				$-۰/۰۰۶$	$-۰/۱۱$	$-۲/۸۶^{**}$

نتایج حاکی از آن است در مدل اول که متغیر تاب‌آوری وارد معادله رگرسیون شده است، این متغیر به تنهایی ۳۷ درصد از واریانس شادکامی را تبیین کرده است. در مرحله بعد متغیر تاب‌آوری و شیوه فرزندپروری مقتدرانه وارد معادله شده است، با ورود این متغیر ۳ درصد بر تبیین واریانس شادکامی افزوده شده است (تغییر $R^2=0/038$). در مرحله سوم متغیر تاب‌آوری، شیوه فرزندپروری مقتدرانه و استبدادی وارد معادله شده است که با ورود متغیر استبدادی، ۱ درصد از واریانس شادکامی تبیین شده است (تغییر $R^2=0/011$). سرانجام در مدل نهایی متغیر تاب‌آوری، شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز وارد معادله شده است که با ورود این متغیر (سهل‌گیرانه) ۰/۰۰۶ درصد از واریانس شادکامی تبیین شده است (تغییر مجذور $R=0/0006$).

با توجه به معنی‌داری مقدار آزمون F در مدل نهایی (۷۳/۰۵) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از چهار متغیر پیش‌بین و یک متغیر ملاک مدل خوبی بوده و متغیرهای پیش‌بین قادرند تغییرات شادکامی را تبیین کنند. متغیر تاب‌آوری در مدل نهایی، دارای ضریب رگرسیونی با مقدار ۰/۵۲ است که بالاترین تأثیر رگرسیونی روی متغیر شادکامی است و می‌توان نتیجه گرفت که به ازای یک واحد افزایش در متغیر تاب‌آوری، میزان شادکامی به میزان ۰/۵۲ واحد افزایش خواهد یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین شیوه فرزندپروری استبدادی والدین با شادکامی و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار و بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین با شادکامی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت، اما با تاب‌آوری رابطه معناداری به دست نیامد. همچنین نتایج نشان داد که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با شادکامی و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. در نهایت بین تاب‌آوری و شادکامی رابطه مثبت و معنادار به دست آمد. یافته‌های این قسمت از تحقیق با پژوهش‌های دبیری و دلاور (۱۳۹۰)، کمیجانی و ماهر (۱۳۸۶)، سهرابی و حسنی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. مثلاً دبیری و

دلاور (۱۳۹۰) نشان دادند که شیوه فرزندپروری مستبدانه با شادکامی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین محققان دریافته‌اند که کیفیت و نزدیکی روابط ولی - فرزندی با پیامدهای رفتاری فرزندان در موقعیت‌های پر خطر ارتباط دارد (کارمونا، بارونز، توبار، کانوبرا و مونتهکویین^۱، ۲۰۰۸). در راستای نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش دبیری و دلاور (۱۳۹۰) نشان داد که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با شادکامی رابطه مثبت و معنادار دارد. این نتایج با یافته‌های بلوچ - تریکو^۲ (۲۰۰۸) هم‌خوانی دارد. آن‌ها دریافتند که سطوح فرزندپروری به ویژه صمیمیت با سازگاری بعدی نوجوانان و عزت‌نفس آن‌ها مرتبط است. در راستای این یافته‌ها جوادی، آقابخشی، رفیعی، عسگری، بیان‌معمار و عبدی‌زرین (۱۳۹۰) نیز رابطه کارکرد خانواده و تاب‌آوری در برابر مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر بررسی کردند که نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنادار کارکردهای عاطفی خانواده با تاب‌آوری دانش‌آموزان بود.

در تبیین این قسمت از یافته‌های پژوهش می‌توان گفت از تأثیرات کارکرد نقش‌ها و روش‌های تربیتی صحیح والدین در خانواده این است که فرصت‌هایی برای فرزندان فراهم می‌شود که قابلیت‌ها و استعدادها را بشناسند و در جهت خودشکوفایی گام بردارند. این مسئله علاوه بر افزایش تاب‌آوری فرزندان باعث می‌شود که وقت و انرژی آن‌ها به گونه بهینه صرف امور مثبت گردد. پرداختن به امور مثبت و داشتن احساس این که والدین همواره نقش حمایتی دارند، به نوبه خود باعث می‌شود که احساس شادکامی در فرزندان شکل بگیرد.

همچنین در تأیید نتایج پژوهش حاضر می‌توان به نتایج تحقیقات بامریند^۳ نیز اشاره کرد. وی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ روی دو عامل تعیین‌کننده نوع تعامل و ارتباط والدین و کودک یعنی پذیرندگی- پاسخ‌دهی و توقع- کنترل مطالعه کرده است. بعد پذیرندگی- پاسخ‌دهی حاکی از میزان گرمی والدین و حمایت از کودک است که موجب افزایش توان

1. Carmona, Barrons, Tobar, Canobra & Montequin
2. Bloch - Torrico
3. Baumrind

ابراز وجود، حرمت خود و اعتماد به نفس بالا در کودک می‌شود (پلرین^۱، ۲۰۰۵). بامریند در بررسی‌هایش (۱۹۹۱) دریافت که والدین مقتدری که پذیرنده و پاسخ‌دهنده هستند و کنترل متوسطی را اعمال می‌کنند، در تحول شایستگی اجتماعی فرزندان خود در مقایسه با شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه به میزان بیشتری تسهیل‌کننده هستند. در مقابل، نظارت و کنترل ضعیف، استفاده نامتناسب از کنترل و یک ارتباط هیجانی منفی بین والدین و کودک به طور وسیعی با بزهکاری کلی یا مشکلات رفتاری آنان در آینده مرتبط بوده است (بلاسکی، بوردوین، هنگلر و مان^۲، ۱۹۸۹؛ کرنکوویچ و جوردانو^۳، ۱۹۸۷؛ دارلینگ و استنبرگ^۴، ۱۹۹۳؛ کینان، لوبر، زانگ، استوتمر-لوبر و کامن^۵، ۱۹۹۵). همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شیوه فرزندپروری مقتدرانه واجد پیامدهای رفتاری سازگارانه‌تر در کودکان و نوجوانان می‌شود (آنولا، استاتین و نورمی^۶، ۲۰۰۰).

در خصوص تبیین ارتباط مثبت شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با شادکامی دانش‌آموزان و همچنین ارتباط منفی شیوه مستبدانه با شادکامی باید گفت بر پایه پژوهش‌های انجام شده، شیوه فرزندپروری قاطع با پیامدهای تحولی مثبت همچون روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (استنبرگ و همکاران، ۱۹۹۴). در مطالعه‌ای مشخص شد نوجوانانی که والدین خود را به عنوان مقتدر طبقه‌بندی کرده بودند، بالاترین نمره را در مقیاس کفایت اجتماعی و کمترین نمره را در مقیاس اختلال روان‌شناختی و رفتاری کسب کردند (لمبورن، مونتس، استنبرگ و دورنباش^۷، ۱۹۹۹). فرزندان والدین مقتدر می‌آموزند که تعارض وقتی به بهترین وجه رفع می‌شود که نظرهای طرف مقابل در یک مذاکره دوستانه به حساب آورده شود. این مجموعه مهارت‌ها باعث حل مشکل به صورت مشترک و مؤثر شده و روابط خوبی با همسالان را سبب شده و در نهایت به تشکیل یک شبکه خوب حمایت اجتماعی منجر می‌شود (کاراحمدی، ۲۰۰۴؛ ترجمه پاشا شریفی و نجفی‌زند، ۱۳۸۵) و این

-
1. Pellerin
 2. Blaske
 3. Cernkovich & Giordano
 4. Darling & Steinberg
 5. Keenan, Loeber, Zhang, Stouthamer - Loeber, Van Kammen
 6. Aunola, Stattin & Nurmi
 7. Lambourn, Mounts, Steinberg & Dornbusch

خود منجر به هیجان مثبت و افزایش شادکامی می‌شود. یافته‌های بامریند نشان داد که فرزندان والدین مقتدر، بسیار خوب پرورش می‌یابند و شاد و سر حال هستند (دبیری و همکاران، ۱۳۹۱).

در مجموع نتایج تحقیق نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و تا حدودی آزاد منشانه می‌تواند در ایجاد احساس شادکامی در دانش‌آموزان مؤثر باشد. همچنین شیوه فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند به خوبی تاب‌آوری را در فرزندان پیش‌بینی کند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود در زمینه آموزش روش‌های فرزندپروری مثبت به والدین کوشش‌هایی از طرف دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و سایر نهادهای ذیربط صورت گیرد تا از عواقب بعدی شیوه‌های فرزندپروری ناسالم جلوگیری شود. این امر به نوبه خود می‌تواند در شکل‌گیری زمینه شادکامی فرزندان نیز مؤثر باشد. داشتن فرزندان سالم و شاد در آینده باعث ایجاد جامعه‌ای سالم و شاد خواهد شد.

منابع

ابوالقاسمی، علی. (۱۳۹۱). رابطه بین تاب‌آوری، خودکارآمدی و استرس با رضایت از زندگی در دانشجویان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین. *مجله مطالعات روان‌شناسی*، ۳(۷)، ۱۳۱-۱۵۲.

جوادی، رحم‌خدا؛ آقا بخشی، حبیب؛ رفیعی، حسن؛ عسگری، علی؛ بیان معمار، احمد و عبدی‌زرین، سهراب. (۱۳۹۰). رابطه کارکرد خانواده و تاب‌آوری در برابر مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی مدارس پر خطر، *فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۱)، ۲۰-۳۴.

حاتم‌لو، رحیمه؛ بازدار، فاطمه و نریمانی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با تاب‌آوری و عزت‌نفس نوجوانان دختر و پسر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تبریز، ششمین سمینار بین‌المللی روانپزشکی کودکان و نوجوان، شماره ۱۱۳۸۱.

- دبیری، سولماز؛ دلاور، علی؛ صرامی، غلامرضا و فلسفی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۱). تدوین مدل روابط شیوه‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت‌نفس و شادکامی. *فصل‌نامه خانواده‌پژوهی*، ۸(۳۰)، ۱-۱۶.
- سامانی، سعید؛ جوکار، بهرام و صحراگرد، نازنین. (۱۳۸۸). اثرات تاب‌آوری بر سلامت روان و رضایت از زندگی. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۳(۱۳)، ۲۹۰-۲۹۵.
- سهرابی، فرامرز و حسنی، اعظم. (۱۳۸۶). شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان، فصل‌نامه روانشناسی، دوره ۱۱، شماره ۱، ۸۸-۷۵.
- علی‌پور، احمد و آگاه‌هریس، مژگان. (۱۳۸۶). اعتبار و روایی فهرست شادکامی آکسفورد در ایرانی‌ها. *فصل‌نامه روان‌شناسان ایرانی*، شماره ۱۲، ۲۳-۳۶.
- علی‌پور، احمد و نوربالا، احمدعلی. (۱۳۸۷). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه تهران. *مجله اندیشه و رفتار*، شماره ۱ و ۲.
- کاراحمدی، مژگان. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی مثبت*، ترجمه حسن پاشا شریفی و جلیل نجفی‌زند. تهران: انتشارات سخن (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۴).
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۱). *تربیت طربناک*، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- کمیجانی، مهرناز و ماهر، فرهاد. (۱۳۸۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی. *فصل‌نامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۹(۳۳)، ۶۳-۹۴.
- محمدی، مسلم. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد وابسته به مواد در معرض خطر. پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- مرادی، مریم. (۱۳۸۳). بررسی جایگاه و اهمیت و تأثیرات شادمانی در تعلیم و تربیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- مرادی، مریم؛ جعفری، سید ابراهیم و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۴). شادمانی و شخصیت، *مجله علمی پژوهشی تازه‌های علوم شناختی*، ۷(۲)، ۷۱-۶۰.

- Abolghasemi, A. Taklavi Varaniyab, S. (2010). Resilience and perceived stress: predictors of life satisfaction in the students of success and failure. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 5: 748-752.
- Ahern, N. R. Norris, A. E. (2011). Examining factors that increase and decrease stress in adolescent community college students. *J Pediatr Nurs*. 26(6): 530-40.
- Argyle, M. Lu, L. (1990). The happiness of extrovert's personality and individual differences. 77, 1011-1017.
- Aunola, K. Stattin, H. & Nurmi, J. (2000). Parenting styles and adolescents achievement strategies. *Journal of Adolescence*. 23(1): 205-222.
- Blaske, D. M. Borduin, C. M. Henggeler, S. W. & Mann, B. J. (1989). Individual, family, and peer characteristics of adolescent sex offenders and assaultive offenders. *Developmental Psychology*, 25(4): 846-855.
- Bloch-Torrico, G. (2008). Changes in parenting to or from changes in adolescent well-being? A transactional perspective. Dissertation, Concordia University.
- Calzada, E. J. Eyberg, S. M. Rich, B. Querido, J. G. (2004). Parenting disruptive preschoolers: experiences of mothers and fathers. *Journal of abnormal child psychology*, 32(2), 203-213.
- Carmona, G.H. Barrons, R.S. Tobar, J.R. Canobra, V.H. Montequin, E.A. (2008). Family functioning of out-of-treatment cocaine base past and Cocaine hydrochloride users. *Journal of Addictive Behaviors*. 33-866-879.
- Cernkovich, S.A. & Giordano, P.C. (1987). Family relationships and Delinquency. *Criminology*, 25(11): 295-319.
- Chan, T. & Koo, A. (2009). Parenting style and youth outcomes in the UK, Paper presented at the conference of the British Sociological Association, University of Oxford.
- Darling, N. Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113 (3): 487-496.
- Huver, R. M. E. Otten, R. Vries, H. & Engels, R. (2009). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence*, 33(3): 395-402.
- Izadinia N, Amiri M, ghorban Jahromi R, Hamidi Sh. (2010). A study of relationship between suicidal ideas, depression, anxiety, resiliency, daily stresses and mental health among Tehran university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 5: 1615-1619.
- Keenan, K. Loeber, R. Zhang, Q. Stouthamer-Loeber, M. & Van Kammen, W.B. (1995). The influence of deviant peers on the development of boys' disruptive and delinquency behavior: A Temporal analysis. *Development and Psychopathology*, 7(2), 715-726.
- Lambourn, S. D. Mounts, N.S. Steinberg, L. & Dornbusch, S. M. (1999). Patterns of competence and adjustment among adolescents from

- authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065.
- Lopez, M. (2005). Parenting styles and self esteem: Clarifying the role of ethnicity. Poster presented at the 85th Annual Western Psychological Association Convention, Portland, OR.
- Mc Allister, M. Mc Kinnon, J. (2009). The importance of teaching and learning resilience in the health disciplines: a critical review of the literature. *Nurse Educ Today*. 29(4): 371-9.
- Miller-Lewis, L. R. Baghurst, P. A. Sawyer, M. G. Prior, M. R. Clark, J. J. Arney, F. M. & Carbone, J. A. (2006). Early childhood externalizing behavior problems: child, parenting and Family-related predictors over time. *Journal of abnormal child psychology*. 34(3), 891-906.
- Nodding, N. (2003). *Happiness and Education* New York: Cambridge university press.
- Steinberg, L. Lamborn, S.D. Darling, N. Mounts, N.S. & Dornbusch, S.M. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 6(2): 754-770.
- Steinberg, L. Lamborn, S.D. Darling, N. Mounts, N.S. Dornbusch, S. M. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 6(4): 754-770.
- Wilks, S. E. (2008). Resilience and academic stress: The moderating impact of social support among social work students. *Advances in Social Work*. 9(2): 106-125.
- Yu, X. N, Lau, J. T, Mak, W.W. Zhang, J. Lui, W.W. Zhang J. (2011). Factor structure and psychometric properties of the Connor-Davidson Resilience Scale among Chinese adolescents. *Compr Psychiatry*. 52(2): 218-24.
- Zakeri, H. Jowkar, B. Razmjooe, M. (2010). Parenting styles and resilience. *Procedia: Social and Behavioral Sciences*, 5: 1067-1070.